





دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

عنوان:

نسخ آیات قرآن در مکتب اهل بیت

(علیهم السّلام)

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

استاد راهنما:

دکتر علی رضا فخّاری

استاد مشاور:

دکتر حمید رضا بصیری

نگارش:

موسی آذر نیوند

بهمن ۱۳۹۲

هدیه به ناسخی که منسوخ نمی شود؛

حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

فرم گردآوری اطلاعات پایان‌نامه‌ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان: نسخ آیات قرآن در مکتب اهل بیت (علیهم السّلام)	
نویسنده/ محقق: موسی آذر نیوند	
مترجم: -----	
استاد مشاور/ استاد داور:	استاد راهنما: دکتر علی رضا فخّاری
دکتر حمید رضا بصیری / دکتر محمدحسین بیات	
کتابنامه: دارد	واژه نامه: ندارد
نوع پایان‌نامه:	بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> توسعه‌ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۹۲-۹۳
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبایی
تعداد صفحات: ۳۴۶	گروه آموزشی: علوم قرآن و حدیث
کلیدواژه‌ها به زبان فارسی: نسخ، قرآن، مکتب اهل بیت (علیهم السّلام).	
کلیدواژه‌ها به زبان انگلیسی: transformation, Quran, school of Ahlulbayt (PBUH)	

چکیده

الف- موضوع و طرح مسأله: با توجه به اهمیت مبحث ناسخ و منسوخ در قانون‌گذاری و استنباط مسائل شرعی از قرآن کریم و سنت و محوریت کلمات معصومین (علیهم السلام) در شرح و تبیین و تفسیر قرآن و از طرفی مغفول واقع شدن اهل بیت (علیهم السلام) در این‌گونه مسائل، بررسی «نسخ آیات قرآن در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)» امری ضروری به نظر می‌رسد.

هدف این کار تحقیقی، بررسی دیدگاه معصومین (علیهم السلام) در مورد نسخ آیات قرآن و اهمیت این مبحث در منظومه روایی شیعه می‌باشد.

ب- مبنای نظری شامل مرور مختصری بر منابع، چارچوب نظری، پرسش‌ها و فرضیه‌ها: کتب روایی و تفاسیر روایی شیعه مهم‌ترین منبع مورد استفاده در نگارش این پایان‌نامه بود. این تحقیق بر مبنای دو سؤال اساسی استوار است:

۱- روایات منقوله از معصومین (علیهم السلام) در مقوله اصل نسخ و مصادیق آن از جهت سندی در چه مرتبه‌ای از اعتبار قرار دارند؟

۲- از جهت دلالت و فقه الحدیث، این روایات چه مقدار بر نسخ مصطلح امروزی در علوم قرآنی منطبق هستند؟

در پی این سؤالات فرضیه‌هایی نیز مطرح شد که عبارت‌اند از:

۱- نسخ به معنای مصطلح علوم قرآنی، در روایات اهل بیت (علیهم السلام) نیز دیده می‌شود. گرچه اکثر روایات این مسأله از جهت سندی دچار ضعف هستند اما تراکم احادیث ضعیف در مورد واحد می‌تواند اثبات‌کننده این فرضیه باشد.

۲- روایات وارده در زمینه گزارش موارد و مصادیق نسخ آیات قرآن، اکثراً دچار ضعف سندی هستند.

بعد از پیدایش سؤالات و طرح فرضیه‌ها به‌منظور بررسی صحت فرضیه‌ها، روایات مرتبط با نسخ از منابع روایی و تفسیری شیعه جمع‌آوری شد و با استفاده از منابع معتبر علم رجال و درایه مورد بررسی قرار گرفت.

پ- روش تحقیق: برای نگارش پایان‌نامه از روش تحقیق توصیفی و برای جمع‌آوری مطالب از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. ابتدا با مراجعه به کتب فیش‌برداری صورت گرفت و سپس مطالب جمع‌بندی و دسته‌بندی شد.

ت- یافته‌های تحقیق: اکثر روایات بررسی‌شده در زمینه اصل و مصادیق نسخ در ناحیه سند دچار ضعف هستند و در ناحیه دلالت نیز می‌توان نسخ به اصطلاح امروزی علوم قرآنی را به روشنی در این روایات دید.

ث- نتیجه‌گیری و پیشنهادها: مبحث نسخ از منظر اهل بیت (علیهم السلام) دارای اهمیت فراوانی است به گونه‌ای که هر کس در زمینه علوم دینی مرجعیتی دارد (فقه، قضات، مفسرین و ...) باید در ابتدا مبنای خود را در این زمینه تنقیح نماید که در غیر این صورت خود و سایرین را به هلاکت می‌افکند. روایات این مبحث اکثراً دچار ضعف سندی هستند که البته تراکم روایات ضعیف می‌تواند اطمینان‌آفرین باشد.

پیشنهاد می‌شود در مورد مبحث نسخ و تأثیر موضع‌گیری‌ها و ارشادات معصومین (علیهم السلام) بر رفتار پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) از فقها و مفسرین تحقیقات مستقلی صورت پذیرد به گونه‌ای که در این بررسی‌ها محوریت کلمات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) عنصر اساسی باشد.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱	مقدمه

فصل اوّل: کلیّات

۵	۱-۱- بیان مسئله
۶	۱-۲- سئوالات پژوهش
۶	۱-۳- فرضیه پژوهش
۶	۱-۴- اهمیت و ضرورت
۹	۱-۵- اهداف
۹	۱-۶- پیشینه پژوهش
۱۲	۱-۷- روش انجام پژوهش
۱۲	۱-۸- مفهوم شناسی واژه نسخ
۱۹	۱-۹- شرایط نسخ
۱۹	۱-۱۰- حقیقت نسخ
۲۰	۱-۱۱- تشابه و تفاوت نسخ و بداء

فصل دوّم: روایات دالّ بر اصل نسخ

۲۴	درآمد
----	-------------

- ۲-۱- روایات رسول خدا صلی الله و علیه و آله ۲۵
- ۲-۲- روایات امیرالمؤمنین علی علیه السّلام ۳۲
- ۲-۳- روایات امام محمّد باقر علیه السّلام ۸۳
- ۲-۴- روایات امام جعفر صادق علیه السّلام ۱۰۸
- ۲-۵- روایات امام موسی کاظم علیه السّلام ۱۶۶
- ۲-۶- روایات امام علی بن موسی الرضا علیه السّلام ۱۷۰
- ۲-۷- روایات امام حسن عسکری علیه السّلام ۱۸۵
- نتیجه گیری فصل دوم ۱۹۴

فصل سوّم: مصادیق نسخ در روایات

- درآمد ۱۹۸
- ۳-۱- آیه ۸۳ سوره مبارکه بقره ۱۹۹
- ۳-۲- آیه ۸۳ سوره مبارکه بقره ۲۰۶
- ۳-۳- آیه ۱۸۰ سوره مبارکه بقره ۲۰۸
- ۳-۴- آیه ۱۸۱ سوره مبارکه بقره ۲۱۲
- ۳-۵- آیه ۱۸۱ سوره مبارکه بقره ۲۱۵
- ۳-۶- آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره ۲۱۸
- ۳-۷- آیه ۲۲۱ سوره مبارکه بقره ۲۲۵

- ۲۲۹ ۳-۸- آیه ۲۴۰ سوره مبارکه بقره
- ۲۳۲ ۳-۹- آیه ۲۴۰ سوره مبارکه بقره
- ۲۳۴ ۳-۱۰- آیه ۲۴۰ سوره مبارکه بقره
- ۲۳۶ ۳-۱۱- آیه ۱۰۲ سوره مبارکه آل عمران
- ۲۳۸ ۳-۱۲- آیه ۶ سوره مبارکه نساء
- ۲۴۱ ۳-۱۳- آیه ۸ سوره مبارکه نساء
- ۲۴۳ ۳-۱۴- آیه ۱۵ سوره مبارکه نساء
- ۲۴۸ ۳-۱۵- آیه ۲۳ سوره مبارکه نساء
- ۲۵۱ ۳-۱۶- آیه ۷۷ سوره مبارکه نساء
- ۲۵۳ ۳-۱۷- آیه ۵ سوره مبارکه مائده
- ۲۵۶ ۳-۱۸- آیه ۵ سوره مبارکه مائده
- ۲۵۸ ۳-۱۹- آیه ۵ سوره مبارکه مائده
- ۲۶۴ ۳-۲۰- آیه ۴۵ سوره مبارکه مائده
- ۲۶۷ ۳-۲۱- آیه ۶۱ سوره مبارکه انفال
- ۲۷۰ ۳-۲۲- آیه ۷۲ سوره مبارکه انفال
- ۲۷۵ ۳-۲۳- آیه ۶۷ سوره مبارکه نحل
- ۲۷۸ ۳-۲۴- آیه ۶۸ سوره مبارکه نحل

عنوان	صفحه
..... آیة ۲۵-۳ ۱۱۰ سوره مبارکه اسراء	۲۸۲
..... آیة ۲۶-۳ ۳۰ سوره مبارکه نور	۲۸۶
..... آیة ۲۷-۳ ۴۸ سوره مبارکه احزاب	۲۹۳
..... آیة ۲۸-۳ ۱۲ سوره مبارکه مجادله	۲۹۷
..... آیة ۲۹-۳ ۱۲ سوره مبارکه مجادله	۳۰۵
..... آیة ۳۰-۳ ۱۲ سوره مبارکه مجادله	۳۰۸
..... آیة ۳۱-۳ ۱-۴ سوره مبارکه مزمل	۳۱۱
..... نتیجه گیری فصل سوم	۳۱۶

نتیجه گیری نهایی و پیشنهادات

..... نتیجه گیری نهایی	۳۲۱
..... پیشنهادات	۳۲۳

فهرست ها

..... فهرست جداول	۳۲۷
..... فهرست منابع و مأخذ	۳۲۸
..... چکیده (انگلیسی)	۳۴۵

مقدمه:

قرآن، فرمان الهی و قانون و برنامه بنیادین انسان است که برای تنظیم زندگی او نازل گشته تا به حیات وی معنا و به اندیشه‌اش نور بخشیده و او را به اوج قلّه کمال برساند.

قرآن کریم بهار دل‌ها، شفای دردها، سرچشمه زلال دانش‌ها، زایل کننده تیرگی‌ها، استوارترین و بلندمرتبه‌ترین سند معرفت خالق است.

رسول خدا (صلی‌الله و علیه و آله) در روزگاری فرمان رهایی انسان را دریافت نمود و پیام بلندش را به مردم ابلاغ کرد که جامعه بشری را خفقان، وحشت، دلهره و ناامنی فرا گرفته بود و در محیطی چنین آلوده، فریاد قرآن، با نفی امتیازهای موهوم و برجیدن بساط تفاخر و تکاثر و دعوت به توحید و نفی عبودیت غیر خدا، وحدت جامعه انسانی را رقم زد و در فرجام، صلح و صفا و آرامش را به ارمغان آورد.

قرآن، ثقل اکبر و بزرگترین یادگار پیامبر اکرم (صلی‌الله و علیه و آله) و مایه هدایت بشر است. متمسکین به آن، قرین خدا و رهروان پاکش به دنبال اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، ثقل کبیر، دومین یادگار بزرگ پیامبر خاتم (صلی‌الله و علیه و آله) می‌باشند، چرا که آن دو تا رستاخیز، پیوسته در کنار هم هماهنگ، هم سو و هم هدف بوده و سر حوض کوثر به محضر محمد مصطفی (صلی‌الله و علیه و آله) خواهند رسید.

قرآن، ولایت و رهبری امت را به عدالت‌گستران و اهل قسط سپرده و بر ستم‌گری، ستم‌پذیری و قانون‌شکنی، خط بطلان کشیده و بر سر ستم‌گران فریاد برآورد که «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» خلافت الله و پیشوایی امت، به ستم‌گران نمی‌رسد (بقره/۱۲۴).

کتاب خدا در عرصه‌های گوناگون، از جمله در تشریح و قانون‌گذاری، همه جهانیان را به تحدی و مبارزه فراخوانده و خود را معجزه جاویدان رسول خاتم (صلی‌الله و علیه و آله) معرفی کرد و همه اهل فکر را وادار به تسلیم نمود.

قرآن مجید، آیات خود را به گونه‌های مختلفی معرفی کرده و آن را به محکّمات و متشابهات (آل عمران/۷)، ناسخ و منسوخ (بقره/۱۰۶) تقسیم کرده و محکّمات را مرجع و معیار تفسیر متشابهات دانسته

(آل عمران/۷) و با رمز و اشاره و گاهی به صراحت، فهم آیات کریمه‌اش را در گرو رجوع به محکمت و ثقل کبیر اهل‌بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) معرفی می‌نماید (نحل/۴۳ و ۶۴؛ انبیاء/۷).

لکن بداندیشان و گرفتاران لعنت حق در وادی ظلمت، به رویارویی مصادیق آیه تطهیر و آیات ولایت ایستادند و دشمنی خداوند را پیشه کردند و سرانجام، خود و بخش عظیمی از امت اسلامی را از این موهبت بزرگ الهی محروم ساختند و مترجمان، شارحان و عالمان واقعی قرآن؛ یعنی قرآن ناطق که مخاطبان واقعی قرآن بودند و قرآن در خانه آنان و خطاب به آنان نازل شده بود را از صحنه اجتماع کنار زدند و جریان فهم قرآن از مسیر حق خارج گشت و در همه مسائل اسلامی، دچار انحراف شدند. دامنه این اختلاف، تمامی تار و پود احکام دین را فراگرفت و در عرصه تشریح و دیگر مسائل بنیادین اسلامی از جمله مسئله نسخ نیز- که کلید فهم قرآن در مسائل و احکام تشریحی اسلام بود- گرفتار اختلاف نظر شدند.

این نوشته در صدد است مسئله نسخ آیات قرآن را از منظر مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و با محوریت روایات منقوله در منابع روایی شیعه مورد بررسی قرار دهد. در این بررسی به مقوله سند و متن روایات که دو رکن اساسی در پژوهش‌های حدیث محور هستند توجه ویژه خواهیم داشت و به دنبال آن هستیم تا روایات رسیده از اهل‌بیت عصمت (علیهم‌السلام) را در دو جهت سند و متن مورد بررسی قرار داده و ارزیابی کنیم. به تعبیر دیگر می‌خواهیم به این نتیجه برسیم که روایت و اخبار رسیده از معصومین (علیهم‌السلام) که محتوای آن بیان اصل مسئله نسخ آیات قرآن و یا مصداق و فرعی از این مسئله می‌باشد در مرتبه نخست از جهت سندی از چه میزانی از اعتبار برخوردار است و در مرحله بعد و پس از ارزیابی سندی، چه مقدار بر مسئله نسخ مصطلح علوم قرآنی دلالت دارد.

در تمامی مراحل این نگارش، تلاش شده است تا از منابع معتبر علم رجال و درایه استفاده شود و در موارد اختلافی علم رجال، به صورت مفصل‌تر بررسی صورت گیرد.

امید آن است که تلاش علمی حاضر، قدمی رو به جلو در معرفی میراث گرانمایه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در زمینه مسائل مربوط به علوم قرآن باشد.

فصل اوّل

کلیّات

۱-۱- بیان مسئله

از صدر اسلام همواره مسئله نسخ در بین دانشمندان اسلامی مطرح بوده و تألیفات متعدّد و گوناگونی در این زمینه انجام شده است و علمای بسیاری درباره نسخ در قرآن مطالبی نگاشته‌اند از آن جمله: قتاده ابن دعامة السّدوسی (م ۱۱۸ ه. ق) و ابو عبید قاسم بن سلام (م ۲۲۳ ه. ق) و ابو داوود سجستانی (م ۲۷۵ ه. ق) و ابوجعفر نحّاس (م ۳۳۸ ه. ق) و هبة الله بن سلام الضّریر (م ۴۱۰ ه. ق) و ابن عربی (م ۵۴۶ ه. ق) و ابن جوزی (م ۵۹۷ ه. ق) و ابن انباری (م ۳۲۸ ه. ق) و مکی بن ابی طالب المقری (م ۴۳۷ ه. ق) و علمای دیگر را می‌توان نام برد (الزركشي، محمد بن عبدالله، البرهان في علوم القرآن، بيروت، دار المعرفة، أوّل، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۵۲).

نکته‌ای که اکثر این تألیفات در آن مشترک هستند بی‌توجهی نسبت به فرمایشات اهل‌البيت (علیهم السّلام) است؛ به بیان دیگر از آن جا که طبق حدیث متواتر ثقلین قرآن و عترت، عدل یکدیگر شمرده‌اند و پیوندی ناگسستنی بین این دو برقرار است به گونه‌ای که تنها رمز در امان ماندن از ضلالت، تمسک توأمان به این دو می‌باشد، لاجرم به طور منطقی انتظار این است که پیروان قرآن و رسول خدا (صلی‌الله و علیه و آله) در بررسی آیات قرآن اهل‌بيت رسالت (علیهم السّلام) توجهی خاص داشته باشند و سخنان پیامبر (صلی‌الله و علیه و آله) و آل پیامبر (علیهم السّلام) در این زمینه نقش اساسی داشته باشد ولی مع‌الاسف مروری گذرا بر اکثر میراث علمی مسلمین در زمینه علوم قرآنی من جمله مباحثی هم چون نسخ آیات قرآن، ما را به مطالبی ناگوار رهنمون می‌گردد و این حقیقت تلخ چیزی نیست جز به حاشیه راندن اهل‌بيت (علیهم السّلام) در اخذ مسایل علمی و دینی! اهل‌بیتی که عدل قرآن هستند و قرآن در خانه ایشان نازل شده است و اگر رسول خدا (صلی‌الله و علیه و آله) شهر علم است ایشان در ورودی این شهر علم و حکمت هستند، در این‌گونه مسایل مورد بی‌مهری اکثریت مسلمین قرار داشته‌اند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت افرادی چون ابن عباس، مجاهد، قتاده و عکرمة را جایگزین آنان نموده‌اند.

در این بحبوحه، جای بررسی‌های علوم قرآنی که محور آن سخنان معصومین و اهل‌بيت رسول خدا (صلی‌الله و علیه و آله) باشد، بسیار خالی احساس می‌شود. بررسی‌هایی که بر اساس شیوه‌های پژوهشی محکم رجالی و درایه‌ای استوار بوده و بتواند بدون تعصّب غنّ و سمین روایات را مورد واکاوی

قرار داده و گوهر ناب کلام جانشینان به حق رسول الله (صلی الله و علیه و آله) را فهم کند.

۱-۲- سئوالات پژوهش

موضوع تحقیق حاضر بررسی مسئله «نسخ آیات قرآن در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)» است و در پی این است که به سئوالات زیر پاسخی تحقیقی دهد.

۱- روایات منقوله از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در مقوله اصل نسخ و مصادیق آن از جهت قوت و ضعف سند در چه مرتبه‌ای از اعتبار قرار دارند؟

۲- روایات ذکرشده، در حیطه دلالت و فقه الحدیث، چه مقدار بر مقوله نسخ مصطلح امروزی در علوم قرآن، منطبق هستند؟

۱-۳- فرضیه پژوهش

الف- نسخ به معنای مصطلح علوم قرآنی، در روایات اهل بیت (علیهم السلام) نیز دیده می‌شود. گرچه اکثر روایات این مسئله از جهت سندی دچار ضعف هستند اما تراکم احادیث ضعیف در مورد واحد می‌تواند اثبات‌کننده این فرضیه باشد.

ب- روایات وارده در زمینه گزارش موارد و مصادیق نسخ آیات قرآن، از جهت محتوا نمی‌توانند موارد ادعا شده را اثبات نمایند و اکثراً دچار ضعف سندی می‌باشند.

۱-۴- اهمیت و ضرورت

یکی از مسائلی که از دیرزمان در مورد قرآن کریم وجود داشته است و دانشمندان «علم اصول» و «علوم قرآن» به آن پرداخته‌اند، موضوع «نسخ» است. پدیده نسخ در قوانین بشری با آنچه در قوانین آسمانی مطرح است، تفاوتی بنیادین و اساسی دارد. تغییرات مداوم و مستمری که در مقررات وضع‌شده توسط قانون‌گذاران مشاهده می‌گردد، همگی ناشی از عدم وقوف و اطلاع کامل بر جوانب امور و مسبوق به نوعی ناآگاهی به حوادث و امور زندگی است که با گذشت زمان بر انسان روشن می‌گردد و با پدیدار شدن نقاط ضعف و آگاهی یافتن از کاستی‌ها و ناراستی‌ها، قانون‌گذار بشری، اقدام به ترمیم، تکمیل، بازنگری و یا نسخ قانون سابق می‌نماید. تا آنجا که تاریخ بهیاد دارد، انسان در وضع قوانین اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سایر شؤون زندگی خویش، همواره در مسیری

متلاطم و رو به کمال قرار داشته است. کاروان بشریت از نقطه‌ای که حرکت خویش را در بستری به نام زمین آغاز کرده و برای ادامه حیات و بقای خویش زندگی جمعی را برگزیده است، به واقعیتی دیگر نیز تن داده و تسلیم گشته است. احساس کمال‌جویی که در فطرت و خلقت هر انسانی نهاده شده از او موجودی پویا ساخته است. این امتیاز قبل از آن‌که چهره برتر بشر را نمودار سازد، خبر از ضعف و نقص و نیاز او می‌دهد. پویا بودن انسان، گویای این حقیقت است که انسان تا رسیدن به کمال فاصله زیادی دارد. این امر گرچه چندان خوشایند نمی‌نماید، اما چیزی است که همه تغییرات و تحولات در قوانین بشری را در پرتو آن می‌توان توجیه نمود. آنچه گفتیم تبیینی از علت تحولات در قوانین وضع‌شده به دست بشر بود. قوانین الهی چگونه‌اند؟ آیا در قوانین صادره از منبع وحی نیز، تغییر و تبدیلی وجود دارد؟

پاسخ این سؤال مثبت است؛ اما باید توجه داشت که فلسفه تغییر و تبدیل در قانون الهی با فلسفه تغییر و تبدیل در قانون بشری کاملاً متفاوت است. در این مرحله، قانون‌گذار که شارع مقدس است، با علم و آگاهی و احاطه کامل به همه جوانب امور، قوانین را به صورت تدریجی با رعایت حال و موقعیت مردم وضع می‌کند. میزان درجه کمال و ترقی و پیشرفت امت‌ها، تناسب تام و تمامی با نوع قوانین مقرر برای آن‌ها دارد. هر امتی قانونی خاص خود را می‌طلبد تا از نردبان کمال بالا رود. حکمت نسخ در شرایع الهی نیز جز این نیست. نسخ در واقع پاسخی به نیازهای ضروری هر مکتب و برنامه عملی برای جوامع بشری است.

اهمیت‌شناخت نسخ و توجه به این امر، از سخن بزرگان دین به خوبی مشهود است. در مورد قرآن که کتاب قانون اسلام است، آشنایی با ناسخ و منسوخ آن تاکید و توصیه شده است. ابو‌عبدالرحمن سلمی از علی‌بن ابی‌طالب (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت در برخورد با یک قاضی از او پرسید:

هل تعرف الناسخ من المنسوخ؟ فقال: لا، فقال: هلکت واهلکت.

آیا ناسخ و منسوخ قرآن را می‌شناسی؟ گفت: نه. حضرت فرمود: خودت را هلاک نمودی و دیگران را به ورطه هلاکت افکندی (عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران،

المطبعة العلمیة، اول، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۲۳).

در حدیث دیگری آمده است که حضرت از کسی که قصه‌های قرآن را بازگو می‌نمود همین سؤال را کرد. این اختلاف ظاهرا از لفظ «قاض» یا «قاص» ناشی شده است.

سیوطی در الاتقان و زرقانی در مناهل العرفان، روایت را چنین نقل کرده‌اند: وقد قال علی بن ابی طالب لقاص؛ اتعرف الناسخ والمنسوخ؟... (سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربی، دوم، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۷۰۰؛ الزرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربی، اول، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۷۴).

در روایت دیگری نقل شده است که: علی (علیه السلام) در حالی که شخصی مشغول موعظه و انذار مردم بود، وارد مسجد گشت. فرمود: این شخص کیست؟ گفتند: شخصی است که مردم را موعظه می‌کند و آنان را به یاد خداوند متذکر می‌شود. حضرت فرمود: او مذکر و موعظه‌گر نیست، او فردی خودخواه است که می‌گوید: «انا فلان بن فلان فاعرفونی». او را نزد امام احضار نمودند. حضرت پرسید: اتعرف الناسخ من المنسوخ؟ قال: لا، قال: فاخرج من مسجدنا ولا تذکر فیه... از مسجد ما خارج شو و در آن موعظه مکن! (الزرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۷۴).

احتمالا منظور از قاضی یا قصه‌گو و یا موعظه‌گر در این روایات ابویحیی بوده است که داستان برخورد خود را با علی بن ابی طالب (علیه السلام) برای سعید بن ابی الحسن نقل کرده است (معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۲۷۲).

اهمیت شناخت ناسخ و منسوخ در قرآن کریم از پرسشی که امام صادق (علیه السلام) از ابوحنیفه می‌کند نیز به خوبی آشکار است. از آن حضرت روایت شده که به ابوحنیفه فرمود:

تو فقیه اهل عراقی؟ پاسخ داد: آری. حضرت فرمود: به چه فتوا می‌دهی؟ گفت: به کتاب خدا و سنت پیامبرش. فرمود: ابوحنیفه! آیا به کتاب خدا آن‌گونه که شایسته است، شناخت داری؟ آیا ناسخ آن را از منسوخ می‌شناسی؟ پاسخ داد: آری. حضرت فرمود: ادعای دانش بزرگی کردی... (فیض کاشانی، محمد

محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر، دوم، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۲)
از سوی دیگر طبق حدیث متواتر ثقلین قرآن و عترت، عدل یکدیگر شمرده، تمسک توأمان به این دو می‌باشد، لاجرم به طور منطقی انتظار این است که پیروان قرآن و رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) در

تبيين آیات قرآن به عدل آن يعنى اهل بييت رسالت توجّهی خاص داشته باشند و سخنان پیامبر (صلی الله و علیه و آله) و آل پیامبر (علیهم السّلام) در این زمینه ارزش محوری داشته باشد لکن مروری گذرا بر اکثر مصنفات مسلمین در زمینه علوم قرآنی من جمله مباحثی هم چون نسخ آیات قرآن، ما را به حقیقتی تلخ رهنمون می‌گردد و این حقیقت تلخ چیزی نیست جز به حاشیه راندن اهل بییت (علیهم السّلام) در اخذ مسایل علمی و دینی! اهل بییتی که عدل قرآن هستند و قرآن در خانه ایشان نازل شده است و اگر رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) شهر علم است ایشان در ورودی این شهر علم و حکمت هستند، در این‌گونه مسائل مورد بی‌مهری اکثریت مسلمین قرار داشته‌اند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت افرادی چون ابن عباس، مجاهد، قتاده و عکرمه را جایگزین آنان نموده‌اند.

در این بحبوحه، جای بررسی‌های علوم قرآنی که محور آن سخنان معصومین و اهل بییت رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) باشد، بسیار خالی احساس می‌شود. بررسی‌هایی که بر اساس شیوه‌های پژوهشی محکم رجالی و درایه‌ای استوار بوده و بتوانند بدون تعصّب غتّ و سمین روایات را مورد واکاوی قرار داده و گوهر ناب کلام جانشینان به حق رسول الله (صلی الله و علیه و آله) را فهم کند.

۱-۵- اهداف

الف- تلاش علمی در زمینه بررسی‌های علوم قرآنی بر مبنای روایات اهل بییت (علیهم السّلام) که شروعی باشد برای تلاش‌های گسترده‌تر و محکم‌تر برای معرفّی میراث علمی معصومین (علیهم السّلام) در زمینه علوم قرآن.

ب - روشن ساختن میزان اهمیت مبحث ناسخ و منسوخ در کلام اهل بییت (علیهم السّلام).

ج - بررسی فنی روایات معصومین (علیهم السّلام) در حوزه نسخ و روشن ساختن میزان اعتبار سندی و متنی آن‌ها.

۱-۶- پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت مسئله ناسخ و منسوخ، پژوهش‌های گسترده و فراوانی از اولین قرن هجری تاکنون در این زمینه صورت گرفته است.

ابن‌ندیم (م ۳۸۰ یا ۳۸۵ ه. ق) در فهرست خود تحت عنوان «الکتاب المؤلفة فی ناسخ القرآن و منسوخه»

نام ۱۸ کتاب را که تا زمان وی تألیف گردیده‌اند، ذکر کرده‌است (ابن ندیم، محمد، الفهرست، بیروت، دارالمعرفة، بی نا، بی تا، ص ۵۶).

زرکشی می‌گوید:

بسیاری در این علم، تألیف و تصنیف داشته‌اند؛ از جمله: قتاده بن دعامة السدوسی، ابو عبید، قاسم بن سلام، ابوداود سجستانی (سلیمان بن اشعث)، ابوجعفر نحاس، هبة الله بن سلامة الضریر، ابن العربی، ابن جوزی، ابن الانباری، مکی بن ابی طالب و دیگران (الزرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۵۲)

سیوطی از اهتمام و عنایت دانشمندان اسلامی به تدوین کتاب در زمینه ناسخ و منسوخ چنین تعبیر می‌کند: «گروهی که غیر قابل شمارشند در این زمینه اقدام به تألیف نموده‌اند» (سیوطی، جلال الدین، الإقتان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۷۰۰).

طبق ضبط برخی از مورخان برجسته «تاریخ و علوم قرآن» اولین شخصی که درباره ناسخ و منسوخ در تاریخ اسلام، کتاب نوشت، قتاده (م ۱۱۸ ه.ق) بود. سپس یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) به نام محمد بن سائب کلبی (م ۱۴۶ ه.ق) به این کار مبادرت جست. پس از او نوبت به مقاتل بن سلیمان (م ۱۴۶ ه.ق) رسید؛ اما هیچ‌یک از کتاب‌های آن‌ها نه تنها به دست ما نرسیده است که به احتمال قوی قدیمی‌ترین پژوهشگران تاریخ و علوم قرآن هم به این کتاب‌ها دست نیافته‌اند (طالقانی، عبد الوهاب، علوم قرآن و فهرست منابع، قم، دار القرآن الکریم، بی نا، ۱۳۶۱ ش، صص ۳۶۶-۳۶۷؛ حجتی کرمانی، علی، ناسخ و منسوخ در قرآن کریم، مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۱۰).

دکتر مصطفی زید در رساله خود، فصلی را به بررسی کتب ناسخ و منسوخ اختصاص داده معتقد است: «شافعی اولین کسی است که در مورد ناسخ و منسوخ به شیوه‌ای علمی، قلم زده‌است؛ اما کتاب مستقلی را در این زمینه به رشته تحریر درنیاورده است.»

او اولین کتاب نوشته‌شده در این موضوع را الناسخ و المنسوخ ابو عبدالله ابن حزم اندلسی (م ۳۲۰ ه.ق) می‌داند. سایر نویسندگان به ترتیب عبارتند از:

ابو جعفر نحاس (م ۳۳۸ ه.ق) الناسخ و المنسوخ، ابوالقاسم هبة الله بن سلامة (م ۴۱۰ ه.ق) الناسخ و المنسوخ، عبد القاهر بغدادی، الناسخ و المنسوخ؛ ابن هلال، الایجاز فی ناسخ القرآن و منسوخه؛ عبد الرحمن بن

علی بن عبد الله بن جوزی (۵۱۰-۵۹۷ ه.ق) نواسخ القرآن؛ ابن خزیمه، الموجز فی الناسخ و المنسوخ؛ اسفراینی، الناسخ و المنسوخ.

مصطفی زید پس از نقل این کتب، خصوصیات و روش بحث هر یک را توضیح داده آن ها را مورد نقادی قرار می دهد (زید، مصطفی، النسخ فی القرآن الکریم دراسة تشریعیة تاریخیة نقدیة، مصر، دار الوفاء، سوم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، صص ۳۴۱ - ۳۹۵).

گرچه به نظر این نویسنده، ابو عبدالله ابن حزم اندلسی اولین تدوین کننده ناسخ و منسوخ است، اما این سخن با آماري که این ندیم به دست داده است، سازگاری ندارد. شاید منظور مصطفی زید، اولین نویسنده ای است که کتابش در دسترس ماست.

دکتر حاتم صالح ضامن، ابن خزیمه و اسفراینی را به ترتیب مظفر بن حسین بن زید بن علی بن خزیمه فارسی و ابو عبدالله محمد بن عبدالله اسفراینی نام برده است که شرح زندگی آن ها مجهول است (ابن البارزی، هبة الله بن عبد الرحيم بن ابراهيم، ناسخ القرآن و منسوخه، تحقیق: حاتم صالح الضامن، بغداد، وزارة التعليم العالی، بی نا، ۱۴۱۱ ق، ص ۷)

از دیگر کتاب های تدوین شده در این علم می توان، کتاب الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم را از قاضی ابوبکر بن عربی معافری (م ۵۴۶ ه.ق) نام برد.

هبة الله بن عبد الرحيم بن ابراهيم معروف به شرف الدين ابن البارزی (م ۷۳۸ ه.ق) یکی دیگر از مصنفان است. کتاب وی به نام ناسخ القرآن العزیز و منسوخه به تحقیق دکتر حاتم صالح ضامن، چاپ گردیده است.

در میان مؤلفان شیعه، شهاب الدین احمد بن عبد الله بن سعید المتوج (م ۸۳۶ ه.ق) از شاگردان فخر المحققین و شهید اول و صاحب تالیفات متعدد، کتابی به نام الناسخ و المنسوخ تالیف کرده که به کوشش دکتر محمد جعفر اسلامی چاپ شده است.

علوم قرآن و فهرست منابع، فهرستی از ۷۱ کتاب نوشته شده در زمینه ناسخ و منسوخ را با ذکر نام مؤلفان آن ها، ارائه داده است (طالقانی، عبد الوهاب، علوم قرآن و فهرست منابع، صص ۳۶۹-۳۷۵).

سرانجام، آقابزرگ تهرانی، ۲۳ کتاب را درباره ناسخ و منسوخ با یادآوری عصر زندگی مؤلفان آن